

مجله اقتصادی

شماره‌های ۵ و ۶، مرداد و شهریور ۱۳۹۵، صفحات ۱۲۸-۱۰۵

تأملی بر عدالت اقتصادی در نظام فقهی اقتصادی اسلام و رابطه آن با بهره‌وری سازمانی (مطالعه موردی: معاونت امور اقتصادی وزارت امور اقتصادی و دارایی)

علی کیاسالار

کارشناس ارشد حقوق (نویسنده مسئول)

salar2818@gmail.com

الهام غلامی

استادیار اقتصاد دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات تهران دانشکده مدیریت و اقتصاد

elham_gholami4@yahoo.com

در این تحقیق ارتباط بین عدالت اقتصادی در نظام فقهی اقتصادی اسلام و بهره‌وری سازمانی در معاونت امور اقتصادی، وزارت امور اقتصادی و دارایی، از طریق روش توصیفی پیمایشی مورد بررسی قرار گرفته است. بدین منظور با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده و شیوه کوکران، تعداد ۵۵ نفر از کارکنان معاونت به عنوان نمونه آماری انتخاب گردید. داده‌های تحقیق با استفاده از دو پرسشنامه محقق ساخت جمع‌آوری گردید. داده‌های جمع‌آوری شده مورد بررسی و آزمون قرار گرفتند. نتایج تحقیق نشان داده است که در سطح ۵ درصد همبستگی مثبت و معناداری میان متغیر عدالت اقتصادی و متغیر بهره‌وری معاونت امور اقتصادی وزارت اقتصاد و دارایی به میزان ۰/۴۴۵ وجود دارد. همچنین ۲۲ درصد تغییرات در بهره‌وری از طریق تغییرات در عدالت اقتصادی توضیح داده می‌شود.

واژه‌های کلیدی: عدالت، عدالت اقتصادی، نظام فقهی اقتصادی اسلام، بهره‌وری

۱. مقدمه

در میان تمامی ابعاد عدالت، مسائل اقتصادی از شاخص‌ترین جنبه‌های عدالت است و به نوبه خود از پیچیده‌ترین زمینه‌های آن می‌باشد. عدالت اقتصادی یعنی مراعات حقوق اقتصادی افراد در حوزه رفتارها و روابط اقتصادی. امروزه برای عدالت اقتصادی گاهی از عدالت اجتماعی نیز استفاده می‌شود. عدالت اقتصادی علاوه بر اجتماع، شخص را نیز متأثر می‌کند؛ که در برگیرنده آن اصول اخلاقی است که هدایت‌گر افراد در طرح‌های اقتصادی است. این طرح‌ها تعیین می‌کند که چگونه هر فردی برای زندگی کسب معاش کند، کالا و خدمات را با دیگران مبادله کند و یا چگونه قرارداد ببندد. هدف نهایی عدالت اقتصادی این است که به هر شخصی اختیار دهد که به طور خلاقانه در کارهای نامعینی ماورای اقتصاد یعنی کارهای ذهنی و روحی به کار گماشته شود. علی‌رغم آنکه همه فرهنگ‌ها و مکاتب، خواهان عدالت اقتصادی و مدافع آن هستند، ولی دین مقدس اسلام، آن گونه که معصومین (ع) به حق زبان گویا و مجری صادق آن بوده‌اند، خاستگاه‌ها، پیامدها و اهداف خاص خود را دارد. در اندیشه اسلامی، عدالت اقتصادی مصداقی از عدالت در معنای وسیع آن است. از نظر شهید صدر، عدالت اقتصادی از دو بعد توازن اجتماعی و تکافل اجتماعی قابل بررسی است. در این خصوص، وی بیان می‌کند که در حوزه حیات اقتصادی، توازن اجتماعی بین افراد انسانی، برابری از حیث سطح زندگی اجتماعی است؛ نه از حیث چگونگی کسب درآمد اقتصادی و مقصود از برابری سطح زندگی این است که سرمایه به اندازه‌ای در دسترس افراد باشد، که بتواند متناسب با مقتضیات روز، از مزایای زندگی برخوردار شوند و بهره‌وری خود را افزایش دهند. اما از بعد تکافل اجتماعی که گاه از آن به عنوان همیاری عمومی نیز یاد کرده‌اند، در واقع به مسئولیت اجتماعی هر فرد در برخورد با مشکلات موجود در جامعه اشاره می‌شود.

با توجه به توضیحات فوق، عدالت اقتصادی به منظور از بین بردن فقر مطلق و ایجاد توازن و تعادل نسبی بین اقشار اجتماعی برقرار می‌شود و بالطبع بهره‌وری نیز افزایش می‌یابد. از این رو در جامعه‌ای که عدالت اقتصادی برقرار نباشد، رابطه محسوس میان تلاش افراد و میزان درآمد و رفاه وجود نخواهد داشت و گروهی با دسترسی به موقعیت‌های مناسب و بهره‌مندی از امتیازات انحصاری، بخش قابل توجهی از منابع را به خود اختصاص خواهند داد و بدین طریق، فاصله بین اقشار اجتماعی با شتاب روز افزونی بیشتر خواهد شد. اما وقتی عدالت اقتصادی برقرار باشد، عامل

عمده تعیین‌کننده درآمد و رفاه، تلاش صادقانه و مجدانه افراد خواهد بود و موقعیت‌ها و فرصت‌های یکسان در اختیار همه قرار خواهد گرفت؛ تا افراد برحسب میزان تلاش و پشتکار خود، درآمد و رفاه داشته باشند و بالطبع بهره‌وری نیز افزایش می‌یابد (دیریاز، ۱۳۸۰، ص ۱۵۲).

بنابراین با توجه به مطالب مذکور و با عنایت به اهمیت نقش عدالت اقتصادی در جامعه، بررسی تأثیر عدالت اقتصادی در نظام فقهی اقتصادی اسلام، رابطه و تأثیر آن با بهره‌وری حائز اهمیت است که در این مقاله به آن پرداخته شده است. بر این اساس، فرضیه‌های این مقاله به صورت زیر است:

- بین عدالت اقتصادی و بهره‌وری در معاونت امور اقتصادی وزارت اقتصادی و دارایی رابطه معنی‌داری وجود دارد.

- عدالت اقتصادی بر بهره‌وری در معاونت امور اقتصادی وزارت امور اقتصادی و دارایی تأثیر معنی‌داری دارد.

ساماندهی مقاله بدین ترتیب است که بعد از مقدمه، ادبیات تحقیق ارائه می‌شود. سپس روش تحقیق ارائه می‌گردد. در پایان نیز نتایج و پیشنهادات ارائه شده است.

۲. ادبیات تحقیق

۲-۱. عدالت در نظام فقهی اسلام

۲-۱-۱. تعریف و مفهوم عدالت در نظام فقهی اسلام

عدالت معادل واژه (Justice) از ریشه لاتین (Ustitia) در انگلیسی و فرانسه، مفهومی کلی است که برداشت‌های متفاوت و فراوانی در خصوص آن وجود دارد. اندیشمندان علوم اجتماعی و انسانی، از دوران یونان باستان تا به امروز، تقریرات فراوانی در خصوص معنای این کلمه ارائه نموده‌اند. در نظر بسیاری از این اندیشمندان، این مفهوم، با کلماتی از جمله مساوات و توازن معنا شده است (جویای شندی، ۱۳۹۲). به طور کلی، در بیان لغوی عدالت به معنای راستی (استقامت) و در شریعت به معنای راستی در حق، دوری از مانع و برتری دادن عقل بر هوا است. در اصطلاح فقیهان، عدالت، پرهیز از گناهان بزرگ و اصرار نکردن بر گناهان کوچک، راستگویی و پرهیز از دروغ، رعایت تقوا و دوری از افعال پست است. در فرهنگ معارف اسلامی دکتر سجادی، عدل مقابل ظلم و به معنای احقاق حق و اخراج حق از باطل و همچنین امر «متوسط» میان افراط و تفریط تعریف شده است (فتحانی، ۱۳۸۸). در قاموس فقهی، نه معنای عدل ذکر شده است: میانه‌روی، مانند و نظیر،

انصاف، استوار، جزاء، فدیة، فریضه، نافله و عادلۃ که حکم یا شهادتش مورد رضایت باشد. از نظر خداوند، عدالت ملکهٔ نفسانی است که انسان را بر تقوا و مروت برمی‌انگیزاند. از این رو استقرار این ملکه به پیمودن صراط مستقیم است که خداوند برای بندگان وضع کرده و آن ترک محرمات و انجام واجبات است. در نتیجه، اگر عدالت در نظر خداوند به صورت مطلق آورده شود، به ملکه‌ای که نزد خداوند و عرف با اعتدال و راستی ملازم است، انصراف دارد (رجایی و معلمی، ۱۳۹۰). در این خصوص استاد شهید مطهری (ره) می‌فرماید: کلمه «عدل» در مجموع چهار معنا و یا در چهار مورد استعمال دارد:

الف) موزون بودن: که نقطه مقابل ظلم نیست؛ بلکه در مقابل بی‌تناسبی است.

ب) تساوی و نفی هرگونه تبعیض.

ج) رعایت حقوق افراد و عطا کردن به هر ذی‌حق، حق خودش را.

د) رعایت استحقاق‌ها در افاضه وجود و امتناع نکردن از افاضه و رحمت به آن چه امکان یا کمال وجود دارد.

از میان معانی فوق‌الذکر، معنای سوم یعنی اعطای حقوق هر ذی‌حق، از ظرافت خاصی برخوردار است. استاد مطهری (ره)، این معنا را از این کلام حضرت علی (ع) برداشت نموده‌اند که عدل را مساوی «اعطاء کل ذی حق» دانسته‌اند. در این معنا، مبنای اجرای عدالت، مستلزم شناسایی درست حقوق و صاحبان آنها و در ادامه، واگذاری حقوق هریک از صاحبان حق به آنان است (جهانبین و نعمتی، ۱۳۹۴).

در فقه اسلامی برخی فقهای امامیه بیان می‌نمایند که عدالت در فقه معنای جداگانه‌ای ندارد؛ بلکه در همان معنای لغوی به کار رفته است (محقق اردبیلی، ۱۴۱۸ق، ص ۳۱۲). مرحوم خوئی بیان می‌دارد: «برای عدالت نه حقیقت شرعیه ثابت شده است و نه حقیقت متشرعیه؛ بلکه عدالت (در شریعت) در همان معنای لغوی خود، یعنی درستی و عدم جور و انحراف به کار رفته است» (موسوی خوئی، ج ۱، ص ۲۵۴). در مقابل، برخی فقها همچون شیخ طوسی و ابن‌ادریس معتقدند عدالت در شریعت معنای جداگانه‌ای مغایر با معنای لغوی دارد و به اصطلاح دارای حقیقت شرعیه یا متشرعیه است. به عنوان مثال، شیخ طوسی گفته است: «و أمّا فی الشریعہ، فهو کلّ من کان عدلاً فی دینہ، عدلاً فی مروتہ، عدلاً فی أحكامہ». صاحب جواهر نیز گفته است: «حتی اگر قائل به حقیقت شرعیه در مورد لفظ عدالت

نباشیم، بدون شک در آن مجاز شرعی تحقق یافته است و همین مقدار (برای اثبات معنای شرعی مغایر با معنای لغوی) کفایت می‌کند» (حسینی عاملی: ج ۸، ص ۲۵۸؛ نجفی: ج ۱۳، ص ۴۶۵).

با توجه به مطالب بیان شده، گرچه میان معنای فقهی و لغوی واژه عدالت تناسب وجود دارد، ولی از دقت در کلمات فقها و اهل لغت و نیز آیات و اخباری که پس از این در اصل بحث مطرح خواهد شد، چنین به دست می‌آید که عدالت در فقه دارای مفهومی خاص مغایر با معنای لغوی است؛ زیرا:

(۱) نقطه مقابل عدالت در لغت، ظلم و جور است؛ ولی نقطه مقابل عدالت در فقه، فسق است. مثلاً اگر حاکمی در عمل، عدالت را به طور کامل مراعات نماید و ظلم نکند، ولی از نظر اعتقادی فاسد باشد، به او از نظر لغت عادل گفته می‌شود؛ چراکه اهل لغت در مسئله عدالت برای اعتقاد نقشی قائل نیستند؛ ولی از دیدگاه فقه بر او عادل اطلاق نمی‌شود. پس میان مفهوم عدالت در فقه و لغت تفاوت اساسی وجود دارد.

(۲) واژه عدل و مشتقات آن در آیات فراوانی از قرآن کریم و نیز در روایات زیادی به کار رفته است. بنابراین اگر این واژه در زمان پیامبر (ص) در معنای خاص شرعی حقیقت نشده باشد، در زمان ائمه اطهار حقیقت متشرعه شده و از معنای لغوی خود خارج گردیده است. به هر حال، خواه مفهوم عدالت در فقه همان معنای لغوی آن باشد یا خیر، و خواه برای آن حقیقت شرعی یا متشرعه قائل باشیم یا خیر، عدالت در فقه دارای تعریفی خاص بوده و فقها برای آن قیودی را لحاظ نموده‌اند (فراهیدی: ج ۲، ص ۱۱۵۴؛ فیومی: ج ۳، ص ۳۹۶؛ ابن منظور: ج ۱۱، ص ۴۱۴). همچنین اهل لغت معتقدند عدالت به معنای موزون بودن و درستی است، اما اینکه در شریعت به چه انسانی موزون و درست (عادل) می‌گویند و چه قیودی در درستی انسان نقش دارد، از حوزه کار اهل لغت بیرون است. از این رو حتی اگر مفهوم فقهی عدالت را مغایر با معنای لغوی آن ندانیم، باز هم بحث درباره مفهوم فقهی آن ضروری می‌باشد. لذا سخن صاحب جواهر بسیار بجاست که می‌گوید: «لو لم نقل بالحقیقه الشرعیه فیها فالمجاز الشرعی لا شک فی ثبوته و هو کاف».

۲-۱-۲. قلمرو عدالت در نظام فقهی اسلام

بی‌گمان اصل مترقی عدل، از حیاتی‌ترین اصول و قواعد اسلامی، بلکه بشری است؛ زیرا افزون بر آیات و روایات فراوان، عقل مستقل بر ضرورت و اهمیت آن تأکید دارد و از سوی دیگر، بر تمامی معارف دینی؛ اعم از اصول اعتقادی و احکام تشریحی و مقولات اخلاقی سایه افکننده است؛

از این‌رو، استاد شهید مطهری بر این باور است که مقوله عدالت، همانند خون است که در تمامی اجزا و پیکره اسلام جریان دارد. ایشان در این باره می‌فرماید: «اگر قوانین اسلامی را از این جهت (یعنی از بعد حاکم بودن و قابلیت انعطاف و تطابق با محیط و زمان) تقسیم کنیم، چهار دسته است: دسته اول: پاره‌ای از قوانین مربوط به رابطه انسان با خداست که اسمش «عبادت» است.

دسته دوم: دستورهایی است که مربوط است به رابطه انسان با خودش، که اصطلاحاً «اخلاق» نامیده می‌شود؛ اینکه انسان خودش برای خودش چگونه باید باشد. اخلاق شخصی و فردی انسان چگونه

باید باشد. انسان خودش را چگونه باید بسازد و به عبارت دیگر غرایزش را چگونه تنظیم کند؟

دسته سوم: مربوط است به ارتباط انسان با طبیعت؛ یعنی ارتباط انسان نه با خودش و نه با خدا، بلکه با خلق خدا، آن هم غیر از انسان‌های دیگر؛ اینکه رابطه انسان با زمین، با گیاهان و با حیوانات چگونه و بر چه اساسی باید باشد.

دسته چهارم: که از همه مهم‌تر و بیشتر مورد توجه و دستخوش تغییر و تحول است. رابطه انسان با انسان است؛ یعنی قوانینی که مربوط است به روابط انسان‌ها با یکدیگر که خیلی تغییر می‌کند، چون جامعه متغیر و متحول است. قوانین عبارت است از حقوق، تکالیف؛ یعنی باید‌ها و وظایفی که افراد نسبت به یکدیگر دارند» (مطهری، ۱۳۷۰، ص ۴۱).

استاد بر این باور است که اصل عدالت، بر هر یک از آموزه‌ها و معارف دینی؛ از جمله در تشریح احکام فقهی و شیوه استنباط آنها اثر مستقیم دارد. ایشان در این باره می‌فرماید: «عدل در قرآن، آنجا که به توحید یا معاد مربوط می‌شود، به نگرش انسان به هستی و آفرینش شکل خاص می‌دهد و به عبارت دیگر، نوعی جهان‌بینی است؛ آنجا که به نبوت و تشریح و قانون مربوط می‌شود، یک مقیاس و معیار قانون‌شناسی است و به عبارت دیگر، جای پایی است برای عقل که در ردیف کتاب و سنت قرار گیرد و جزو منابع فقه و استنباط بشمار آید. آنجا که به امامت و رهبری مربوط می‌شود یک شایستگی است. آنجا که پای اخلاق به میان می‌آید آرمانی انسانی است و آنجا که به اجتماع کشیده می‌شود یک مسئولیت است». به نظر استاد شهید نه تنها تمامی معارف و آموزه‌های دینی، متأثر از عدل است، بلکه معیار شناخت صحیح جهان، قوانین و حاکمان و راه صحیح اجرای مسئولیت‌ها نیز رعایت عدالت است. ایشان می‌فرماید: «(اصل عدالت)، مسأله‌ای که در قرآن تا این

پایه بدان اهمیت داده شده که هم جهان‌بینی است و هم معیار شناخت قانون و هم ملاک شایستگی زعامت و رهبری و هم آرمانی انسانی و هم مسئولیتی اجتماعی مسلمین» (مطهری، ۱۳۵۳، ص ۳۸).

استاد مطهری در مقام تبیین جایگاه و قلمرو عدالت در رابطه با معارف اسلام، به ویژه اعتقادات، یکی از برتری‌های کلام شیعی را توجه بر این مقوله دانسته و ریشه بیشتر امتیازات فکری شیعه را نیز همین امر دانسته است. استاد می‌فرماید: «شیعه همچنان که در فروع احکام استقلال داشت، در اصول و مسائل کلامی، فلسفی و به اصطلاح در معارف اسلامی نیز کاملاً مستقل بود. در مکتب کلامی فلسفی شیعه مسائل عدل و توحید مطرح و عمیق‌ترین نظریات ابراز گردید. در چهار مسأله معروف؛ یعنی عدل، عقل، استطاعت و حکمت جانب معتزله حمایت شد و به همین جهت شیعه جزء عدلیه به شمار آمد ولی در مکتب شیعه، مفهوم هر یک از این چهارتا، با آنچه معتزله به آن معتقد بود، تفاوت‌هایی داشت. در این مکتب اصل عدل، به مفهوم جامع خود تأیید شد، بدون آنکه کوچک‌ترین ضربه‌ای به توحید افعالی یا توحید ذاتی وارد آید، عدل در کنار توحید قرار گرفت و به حق گفته شد که: «العدل و التوحید علویان و الجبر و التشبیه امویان» در این مکتب، اصالت عدل و حرمت عقل و شخصیت آزاد و مختار انسان و نظام حکیمانه جهان اثبات شد» (همان، ص ۲۸).

از نگاه استاد شهید، افزون بر اینکه عدالت به عنوان یک اصل و قاعده در جهان‌بینی و جهان‌شناسی و معیاری بر شناخت حاکم شایسته از ناشایسته به کار می‌رود، در مقام اجرا و عمل سبب شده تا اسلام را در جایگاه یک انقلاب رهایی‌بخش و یک مکتب برخوردار از حکومت برای اداره جامعه نشانده است. وی می‌فرماید: «اسلام اگر تنها به شکل یک آیین اخلاقی و مکتب پند و نصیحت بروز می‌کرد قادر بود که آن اتحاد (رباخوار و ربا دهنده) را قائل باشد، لیکن به صورت یک مکتب و یک انقلاب اجتماعی ظهور کرد و ناهمواری‌هایی را صاف کرد» (مطهری، ۱۳۵۹، ص ۳۵).

به طور کلی مفهوم و ماهیت، اقسام، علل تحقق و آثار و نتایج اجرای عدالت را می‌توان به صورت زیر برشمرد.

بحث اول؛ معنی و مفهوم عدالت و اینکه عدالت چیست؟، عدالت اجتماعی چیست؟، عدالت روحی فردی چیست؟ و حتی عدالت بدنی و مزاجی چیست؟. در این معنی و مفهوم، عدالت عبارت است از: «اعطاء کل ذی حق حقه» (همان، ص ۱۵۴)

بحث دوم؛ علل و موجبات عدل است که موقوف به سه اصل می‌باشد. یکی بودن قوانین و مقررات عادلانه، اجرا و تنفیذ آنها علی‌السواء و شعور مردم به حقوق خود که «لا یدرک الحق الا بالجد» (نهج‌البلاغه، ص ۷۲، خطبه ۲۹).

بحث سوم، انواع عدل است. در این خصوص عدل تنها نفی امتیازات نژادی و طبقاتی نیست، بلکه در موضوع ثروت هم مطرح است. بحث چهارم، در آثار عدل است که اگر باشد سعادت و آرامش و اتحاد و پیشرفت اجتماعی و سلامت روانی عمومی پیدا می‌شود و اگر به هم خورد، در عوض عقده‌ها و جنایات اخلاقی و آشفته‌گی‌های زیاد پیدا می‌شود.

۲-۱-۳. جایگاه و اهمیت عدالت در نظام فقهی اسلام

از اموری که در منابع اسلامی و سخنان معصومان (علیه‌السلام) فراوان یافت می‌شود، اهمیت عمل به عدالت است. خدای متعالی می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ...؛ ای کسانی که ایمان آوردید! عدالت را پیا دارید» (نساء، آیه ۱۳۵). «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ...؛ خداوند به عمل به عدالت و نیکی کردن فرمان داده است» (نحل، آیه ۹۰). و در آیه دیگری، بر پاداشتن قسط و عدالت را هدف بعثت انبیا و نزول کتاب‌های الهی بر شمرده است. «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيُقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ...؛ ما رسولان خود را با نشانه‌های روشن فرستادیم و با آنها کتاب آسمانی و میزان [= معیار شناسایی حق و قوانین عادلانه] نازل کردیم تا مردم به اجرای عدالت پیا خیزند» (حدید؛ آیه ۲۵).

در گفتار ائمه معصوم (علیه‌السلام) نیز در باب اهمیت عدالت سخنان فراوان ثبت شده است. در گفتار امامان معصوم (ع)، عدالت در معانی وضع بایسته، رعایت شایستگی‌ها، رعایت حقوق، رفع تبعیض و بهره‌مندی به گونه مساوی به کار برده شده است. حضرت علی (ع) در نامه‌ای به اسود بن قَطِيبه حاکم حلوان می‌نویسد: «هواها و تمایلات نفسانی حاکم مختلف است. این امر، او را بسیار از دادگری باز می‌دارد؛ پس باید کار مردم در رعایت حق، نزد تو یکسان باشد؛ چرا که ستم نمی‌تواند عوض و جایگزین عدل و رعایت حق باشد». در نامه ۷۰ نیز می‌فرماید: «عدل را شناختند، دیدند و شنیدند، به خاطر سپردند و دانستند که مردم براساس معیار عدالت، در حق یکسانند؛ اما گریختند تا تنها خود را به نوایی برسانند. افزون بر گفتار فراوان امام علی (ع) در باب عدالت، سیره حضرت نیز

در حکومت و به ویژه در آغاز پذیرش حکومت، گویای اهمیت فراوان عدالت و جایگاه والای آن در اقتصاد اسلامی است (جویای شندی، ۱۳۹۲).

- العدل حياة؛ عدل سبب حیات است (مایه رفاه و نشاط جوامع است)

- العدل قوام الرعية و جمال الولاية؛ عدالت مایه استحکام زندگی مردم و زینت حاکمان است.

- ان العدل ميزان الله سبحانه الذي وضعه في الخلق و نصبه لاقامه الحق فلا تُخالِفُه في ميزانه و لا تُعارضُه في سلطانه؛ به درستی که عدل، معیار و میزان خدای سبحان است که آن را میان مردم قرار داد تا حق را براساس آن بپا دارند؛ بنابراین با خدای متعالی در معیارش مخالفت و با قدرتش معارضه نکن.

- بالعدل تتضاعف البركات؛ به سبب عدالت، برکت‌ها چند برابر می‌شود.

- بالعدل تصلح الرعية؛ به سبب عدالت، زندگی مردم سامان می‌یابد.

- في العدل الاقتداء بسنة الله و ثبات الدول؛ در عدالت، پیروی از سنت و روش الهی، استحکام و پایداری دولت‌ها است.

- ما عمرت البلاد بمثل العدل؛ هیچ چیز همانند عدالت سبب آبادانی شهرها نشد.

در این خصوص، امام صادق (ع) می‌فرماید: «العدل احلى من الماء يصيبه الظمان؛ عدالت از آبی که انسان تشنه به آن دست می‌یابد، شیرین‌تر است». همچنین فاطمه زهراء (س) می‌فرماید: «فرض الله العدل تسكيناً للقلوب؛ خداوند برای آرامش دل‌ها عدالت را واجب کرد. در روایتی از امام باقر (ع) آمده است: «همانا خداوند متعالی هیچ بخشی از اموال را وانگذاشت، مگر آن که آن را تقسیم کرده و حق هر صاحب حقی را عطا کرده است؛ حق خاص افراد، حق عموم، فقیران، مسکینان و حق هر گروهی از گروه‌های مردم را داده است؛ آن‌گاه فرمود: اگر عدالت میان مردم برقرار شود، مردم بی‌نیاز می‌شوند» (لشکری، ۱۳۹۲، ص ۲۴).

با توجه به آن‌چه در باب عدالت بیان گردید، می‌توان چنین برداشت نمود که اگر رفتار افراد و کارکرد نظام بر محور حق باشد، چنین وضعیتی را عدالت گویند و اگر در جامعه‌ای، هر یک از افراد به حق خود دست یابند، آن جامعه عدالت مدار است.

۲-۲. عدالت اقتصادی در نظام فقهی اسلام

۲-۲-۱. تعریف و مفهوم عدالت اقتصادی در نظام فقهی اسلام

شناسایی و اجرای عدالت اقتصادی به عنوان یکی از مفاهیم موصوف عدالت، مستلزم شناخت حقوق اقتصادی و صاحب این حقوق و بررسی نحوه و شرایط واگذاری این حقوق به صاحبان آن است. در یک تقسیم‌بندی کلی، می‌توان صاحبان حقوق اقتصادی را به دو دسته اموال و انسان‌ها تقسیم نمود.

الف) اموال؛ براساس یک تعریف عمومی، اموال موجوداتی محسوب می‌شوند که کمیاب، مفید و دارای ارزش ذاتی هستند. در تعریف اقتصادی، مال مفهومی اعم از عوامل تولید و کالاهای قابل مصرف است. در این تعریف، انسانی که دارای قدرت تولید باشد، به عنوان یک عامل تولید، یک مال است و دارای ارزش.

ب) انسان‌ها؛ فارغ از جنبه تولیدکننده بودن، انسان‌ها دارای شأنی دیگر هستند که از سوی خداوند متعال به آنها هدیه شده است. اشرف مخلوقات بودن، صفتی است که انسان را فارغ از جنبه‌های دیگرش - از جمله عامل تولید بودن - مستحق بهره‌مندی از یکسری مزایا می‌نماید. حقوقی که تنها به انسان تعلق می‌گیرد. بر مبنای این اصل، انسان‌هایی که قدرت فعالیت و تولید ندارند، مستحق بهره‌مندی از امکاناتی در سطح خاص هستند.

با توجه به توضیحات فوق، عدالت اقتصادی را می‌توان پرداخت حقوق اقتصادی به صاحبان آنها تعریف نمود که به اعتبار انواع صاحبان حقوق، به دو بخش عدالت تخصیصی (پرداخت حقوق اقتصادی اموال) و عدالت توزیعی (پرداخت حقوق اقتصادی انسان‌ها) تقسیم می‌شود. بهره برداری از اموال در چارچوب قاعده حفظ ماهیت قوامی آن برای فرد و جامعه و به صورتی که حداکثر تولید، زایش و رشد را داشته باشد، لازمه اجرای عدالت اقتصادی تخصیصی و توزیع اموال طبیعی و تولید شده بین انسان‌ها، با رعایت حقوق ایجاد شده ناشی از کار، مالکیت اصل و رعایت قاعده نیاز اولیه، شرط لازم برای اجرای عدالت اقتصادی توزیعی است (عیوضلو، ۱۳۸۶).

۲-۲-۲. جایگاه و اهمیت عدالت اقتصادی در نظام فقهی اقتصادی اسلام

با توجه به آنچه در خصوص عدالت بیان گردید، می‌توان اظهار داشت که مفهوم عدالت، رعایت حقوق است. از این رو رفتار و روابط عادلانه، رفتار و روابطی است که براساس حق باشد.

بر این اساس می‌توان عدالت اقتصادی را مراعات حقوق اقتصادی در حوزه رفتارها و روابط اقتصادی تعریف نمود. این امر به صورت هدف اقتصادی، هنگامی کامل محقق می‌شود که عدالت اقتصادی در چارچوب حقوق بایسته مربوط به افراد و اموال مشترک، اموال خصوصی و در مبادلات - انتقال اموال - و همچنین تعیین حق خود «مال» مطرح شود و هر یک از افراد جامعه به حق خود از ثروت و درآمدهای جامعه دست یابند (میرمعزی، ۱۳۸۸، ص ۱۱۲).

در چارچوب شریعت اسلام، معیارهای عدالت اقتصادی در قالب سه اصل متصور است اصل اول؛ حق برخورداری برابر از منابع و ثروت‌های عمومی (معیار منابع محور)^۱: بر اساس این اصل، همه ثروت‌ها برای همه مردم است. از این رو در این معیار بر برابری همگانی در بهره‌برداری یا بهره‌مندی از منابع و مواهب عمومی همگانی و فراهم بودن امکانات و فرصت‌های برابر برای همه و برخورداری یکسان از مزیت‌ها و نامزیت‌ها تأکید می‌شود. در این اصل عدالت به معنای برابری موقعیت‌های اولیه، فرصت‌ها و حق^۲ برابرگرایی^۳، قراردادگرایی^۴، تأمین نیازهای اساسی^۵، برابری نتایج فعالیت (برابری درآمدها بعد از کسر مالیات) تعریف می‌گردد.

اصل دوم؛ سهم بری بر اساس میزان مشارکت در تولید (معیار فرایند محور)^۶: در این اصل، توجه عمده به روشی است که افراد برای سلطه به اموال خود به کار گرفته‌اند و لذا معیار عدالت به کارگیری این قاعده است که محصول کار و فعالیت هر کس به خود او تعلق دارد و افراد برای فعالیت اقتصادی از آزادی برابر برخوردارند. در مفهوم کلی، در این معیار به استحقاق و توانایی افراد از طریق اصالت دادن به انتخاب^۷ آنان توجه می‌شود. از این منظر، عدالت به معنای حقوق افراد جامعه (میزان فعالیت و اکتساب افراد در تملک اموال و انتقال آن)، انصاف و تناسب^۸ در روابط متقابل اجتماعی، حداکثر شدن مطلوبیت یا رضایت اجتماعی افراد از اموال و دارایی‌ها، حداکثرسازی مجموع خوشحالی استاندارد (اصالت فایده تحت قاعده^۹)، حداکثرسازی ثروت^۱

-
1. Means oriented Rules
 2. Equalities of Original Positions Opportunity and Rights
 3. Egalitarianism
 4. Social Contract Theories
 5. Basic Needs
 6. Process oriented Rules
 7. Choice
 8. Equity
 9. Rule Utilitarianism

افراد، انصاف یا عدالت خالی از حسادت^۱، تخصیص خالی از سرزنش^۲، توزیع برابر مازاد حاصل از مبادله میان طرفین (مبادله منصفانه) تعریف می‌شود.

در این خصوص همچنین فارابی از این اصل به عنوان «عدل طبیعی» در مقابل «عدل قراردادی» یاد کرده و گفته است: «عدل طبیعی آن است که هر کس به اندازه مقدار کاری که انجام داده است مزد بگیرد». به همین جهت اگر کسی برای کسب دانش کار و تلاش بیشتری انجام دهد عدل طبیعی اقتضا می‌کند که درآمد بیشتری نسبت به کسی که دانش کمتری دارد دریافت کند. به طور کلی براساس شریعت اسلام تفاوت استعدادها و ذوق و سلیقه بین مردم از نوامیس آفرینش است و موجب جریان بهتر فعالیت اقتصادی و معیشتی می‌گردد. در این زمینه می‌توان به آیه «وَلَا تَتَمَنَّوْا مَا فَضَّلَ اللَّهُ بِبَعْضِكُمْ عَلَى بَعْضٍ لِّلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبُوا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبْنَ» (نساء ۳۲)؛ برتری‌هایی را که بعضی بر بعضی دیگر (به حکمت مانند تفاوت در استعداد) دارند، آرزو نکنید. مردان از آنچه بدست می‌آورند و زنان نیز از آنچه بدست می‌آورند بهره برمی‌دارند، استناد کرد (جهانشیری، ۱۳۹۱).

اصل سوم؛ قرار گرفتن اموال در موضع قوام آن (کارایی و توازن درآمدی): معنای مطلق عدالت هم‌چنانکه اشاره شد قرار گرفتن هر چیز در موضع بایسته و شایسته آن است، به همین جهت نظریه پردازان عدالت معمولاً در تعیین قواعد عدالت اجتماعی و اقتصادی وضع بایسته اجتماع و اقتصاد را به عنوان معیار عدالت دانسته‌اند. وضع بایسته اقتصادی امری است که کاملاً وابسته به مکتب اقتصادی است و نشانگر هدف هر مکتب و نتیجه تحقق آن در جامعه است. به همین جهت بر حسب تفاوت مکاتب اقتصادی تبیین و قاعده‌مند ساختن عدالت در اقتصاد تعبیر مختلفی می‌یابد. به طور کلی، در این معیار که به نتایج فعالیت اقتصادی توجه می‌شود، عدالت از منظر مکاتب اقتصادی (غیر از اسلام) به معنای اصالت فایده و مطلوبیت‌گرایی^۳، حداکثرسازی مجموع خوشحالی افراد از طریق تأمین انگیزه‌ها و انتظارات آنها (مطلوبیت‌گرایی تحت قاعده^۴)، حداکثرسازی ثروت^۱ از طریق توزیع اموال میان افراد جامعه،

-
1. Wealth Maximization
 2. Fairness or Envy Free Justice
 3. Blame - Free Allocation
 4. Utilitarian Justice
 5. Rule Utilitarian Justice

توزیع اموال میان افراد جامعه بدون ایجاد حسادت و رشک (عدالت خالی از حسادت^۱)، توزیع اموال میان افراد جامعه بدون سرزنش^۲ و مبادله منصفانه مازادها در نظام بازار از طریق نظام عادلانه قیمت^۳ مطرح می‌گردد. در مقابل از نظر فقه اسلامی، در اصل سوم عدالت، توجه اصلی به مصالح کلی نظام اجتماعی و جامعه است و همان‌طور که تعاریف مطلق عدالت (اعطاء کل ذی حق، و وضع الشیء فی موضوعه) در مورد افراد صادق است در مورد جامعه و مصالح عمومی و اقتصاد جامعه نیز باید جاری باشد. از دیدگاه اقتصاد اسلامی هر بحث و تحلیلی در این حوزه انجام شود در چارچوب نگرش حقوقی اسلام به «اموال» خواهد بود. بر اساس نگرش اسلامی مالکیت انسانی بر اشیاء و اموال خودش مطلق نیست، بلکه در چارچوب حدودی است که خداوند تعیین کرده است، برای اینکه این حدود از لحاظ مصالح اجتماعی رعایت شود، معیار مشخصی را می‌توان در هر دو حوزه فردی و اجتماعی تعریف نمود و آن این است که اموال و ثروت‌ها بایستی موجبات قوام و استواری جامعه (و فرد به عنوان یکی از اجزای جامعه) را فراهم سازد. از نظر دیدگاه اسلامی عدالت در معنای قوام در دو مفهوم کاربرد دارد. مفهوم اول قوام در بهره‌برداری از اموال و منابع که در اقتصاد متعارف به کارایی فنی تعبیر می‌شود.

قوام از این منظر، به معنای موضع مناسب برای رسیدن به آثار مفید هر چیز است. این معیار، مهم‌ترین دلیل برای اهمیت یافتن کار و تولید و حداکثر بهره‌برداری از منابع در نگرش اسلامی و در واقع، خمیرمایه پیشرفت و رشد اقتصادی جامعه اسلامی است. مفهوم دوم قوام در مصرف است که از آن به کارایی تخصیصی و توازن درآمدها تعبیر می‌گردد. در این خصوص قوام در حوزه مصرف به معنای رعایت اعتدال در مصرف است. «وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا» (فرقان، ۶۷).

به طور خلاصه و به بیان دیگر، از دیدگاه نگرش اسلامی، قوام به معنای اول معادل «عدم اسراف» است و قوام در معنای دوم، معادل «احسان» به معنی انجام کار به نحو صحیح و نیکو است.

-
1. Wealth Maximization
 2. Free Justice Fairness or Envy
 3. Blame - Free Allocation
 4. Just Price

بنابراین نگرش اسلامی مؤید معیار کارایی اقتصادی است؛ البته در چهارچوب داوری‌های ارزشی اسلامی (عیوضلو، ۱۳۸۶).

۲-۳. بهره‌وری

۲-۳-۱. تعریف بهره‌وری

اصطلاح رایج و شایع بهره‌وری^۱ در فرهنگ لغت فارسی، به معنای بهره‌برداری، کام‌یابی و بافایدگی است و در پژوهش‌ها به معنای راندمان، بازدهی، مولدیت و باروری به کار می‌رود. در مفهوم اقتصادی، بهره‌وری در رابطه بین کمیت و کیفیت کالاها و خدمات تولید شده و مقدار منابع مصرف شده تعریف می‌گردد (پروکینکو، ۱۳۷۲، ص ۲۰).

۲-۳-۲. سطوح بهره‌وری

بهره‌وری از نظر آنکه در چه سطحی از سیستم‌ها تجزیه و تحلیل می‌شود، به چهار سطح تقسیم می‌کنند:

الف) بهره‌وری در سطح کارکنان: بهره‌وری در سطح کارکنان، به تجزیه و تحلیل اندازه‌گیری و بهبود بهره‌وری منابع انسانی اختصاص دارد. هدف آن، ارتقای بهبود بهره‌وری نیروی انسانی، اعم از نیروی کار مستقیم یا غیرمستقیم است.

ب) بهره‌وری در سطح سازمان: در این نوع بهره‌وری، یک سیستم سازمانی با توجه به امکانات موجود، مطالعه و ارزیابی می‌شود، مانند: بهره‌وری سازمان آموزش و پرورش، سازمان صدا و سیما، سازمان امور مالیاتی و....

ج) بهره‌وری در سطح بخش: در بهره‌وری بخش، بهره‌وری بخش‌های مختلف کشور نظیر: بخش صنعت، کشاورزی، خدمات، بهداشت، خانواده یا بخش‌های اقتصادی (تولید، توزیع و مصرف) مطالعه و ارزیابی می‌شود.

د) بهره‌وری در سطح ملی: در بهره‌وری در سطح ملی، بهره‌وری کل کشور به عنوان سیستم تجزیه و تحلیل می‌شود.

۲-۳-۳. بهره‌وری در اسلام

بحث بهره‌وری امروزه به شکل سازمان‌یافته، بحثی نوین بوده و از جوامع صنعتی آغاز شده است، ولی در اسلام، پیشینه‌ای ۱۴۰۰ ساله دارد. از گنجینه منابع فقهی اسلام می‌توان مفاهیم ارزشمند و کارآمدی به دست آورد که بیانگر مفهوم کامل بهره‌وری است و دیدگاه اسلام را به زیبایی نمایان می‌سازد. با توجه به مفهوم لغوی و اصطلاحی بهره‌وری، مشخص می‌شود که جوهره این مفهوم نه تنها در جامعه دینی و اسلامی ما تازگی ندارد، بلکه جزو بدیهیات زندگی به شمار می‌آید. همواره در کلام باری تعالی و معصومان علیهم‌السلام، مفهوم بهره‌وری متجلی است؛ چرا که فلسفه آفرینش انسان، به کمال رسیدن و هر روز بهتر از روز قبل شدن است و این همان معنای بهره‌وری است. امام علی علیه‌السلام در گفتاری ارزشمند می‌فرماید: «کسی که امروز خود را اصلاح و کوتاهی‌های دیروز خود را جبران کند، رستگار می‌شود». امام صادق علیه‌السلام هم می‌فرماید: «هر کس دو روزش یکسان باشد، فریب‌خورده است». بی‌شک، با توجه به دو منبع فیاض الهی (قرآن و سنت)، مفاهیم ارزشمند فراوانی از کلام باری تعالی و معصومان علیهم‌السلام می‌توان یافت که انسان را به بهره‌گیری بهینه از نعمت‌ها، فرصت‌های ارزشمند عمر، دقت و اتقان در کار، نظم و مشارکت در امور، پیش‌گیری از اسراف و ده‌ها مفهوم ارزشی دیگر فرا می‌خوانند. همه این موارد، انتظاری‌هایی است که فرهنگ بهره‌وری امروز از انسان دارد. به یقین، هر تلاشی که در به فعلیت رساندن آن مفاهیم ارزشمند انجام پذیرد، کوششی در راه بهره‌ور ساختن خود و جامعه خواهد بود؛ چنان‌که علامه محمدتقی جعفری، بهره‌وری را «به فعلیت رساندن مفیدیت یک موضوع، اعم از انسانی و غیرانسانی برای رفع نیازهای اصلی و فرعی زندگی مادی و معنوی» می‌داند (بافکار، ۱۳۸۴، ص ۱۵-۱۶).

از نظر اسلام، مفاهیم ارزش بهره‌وری را می‌توان در چهار محور ارج‌گذاری به انسان، بهره‌گیری مناسب از عمر و زمان، استفاده بهینه از نعمت و به کارگیری مفاهیم ارزشی بررسی نمود. در ادامه به طور مختصر به این مفاهیم اشاره می‌گردد.

۳. ارج‌گذاری به انسان در بهره‌وری

در اسلام، بهره‌وری به انسان برمی‌گردد. بهره‌وری بیش از آنکه مفهومی مادی و فیزیکی باشد و از ابزار و سرمایه بحث کند، مفهومی انسانی است و از انسان و حفظ کرامت او بحث می‌کند. اسلام با دعوت انسان به ایجاد تغییر و تحول در وضعیت موجود، بازداشتن از بیکاری و تبلی، تشویق به

پویایی و حرکت، توجه به نیازهای اساسی انسان و پاسخگو کردن او در برابر عملکردهایش، به انسان ارزش می‌بخشد.

۳-۱. بهره‌گیری مناسب از عمر و زمان

در اسلام، بهره‌گیری مناسب از عمر و فرصت‌های زندگی، عامل مهمی در بهره‌وری است. به طور کلی، پیشرفت و تکامل جوامع انسانی، به هیچ وجه محصول اتلاف و بطالت انسان‌ها یا نتیجه خوش‌گذرانی و گردش شب و روز نبوده و نیست، بلکه همواره محصول کار و تلاش و از خود گذشتگی انسان‌های با اراده و باهدفی است که موفق شده‌اند از فرصت‌های عمر به صورت شایسته‌ای بهره‌گیرند. بهره‌برداری به موقع از زمان در اسلام به حدی ارزشمند است که امام علی علیه‌السلام، شتاب و درنگ در آن را نشانه بی‌خردی دانسته است و می‌فرماید: «شتاب پیش از توانایی به کار و سستی پس از به دست آوردن فرصت از بی‌خردی است». همچنین ایشان درباره انجام کار در زمان خود می‌فرماید: «کار هر روز را در همان روز انجام بده؛ زیرا هر روز کاری مخصوص به خود دارد».

۳-۲. استفاده بهینه از نعمت

جهان هستی سرشار از نعمت‌ها و امکانات بی‌شماری است که خالق هستی در خدمت بشر قرار داده است. قرآن در این باره چنین می‌فرماید: «وَأْتِيكُمْ مِنْ كُلِّ مَا سَأَلْتُمُوهُ وَإِنْ تَعْدُوا نِعْمَتَ اللَّهِ لَا تَحْصُوهَا؛ و از هر چه خواستید به شما بخشید. اگر در صدد شمارش نعمت خدا برآید، نمی‌توانید آن را به شمار درآورد». (ابراهیم: ۳۴). اگرچه نعمت‌های الهی بی‌شمار است و همه نیازهای مادی و معنوی را دربرمی‌گیرد، ولی بی‌حساب نیست. از این رو، باید از طریق دانش‌آموزی و تخصص‌یابی و همچنین اعمال مدیریت کارآمد بر منابع، نعمت‌های الهی را در راه خیر و صلاح خود و جامعه بهره گرفت.

۳-۳. به کارگیری معیارهای اسلامی در عمل

در فرهنگ اسلامی، بهره‌وری فردی و اجتماعی، زمانی به وجود می‌آید که مفاهیم ارزشی به طور عملی در تاروپود جامعه جریان یابد و اندیشه‌های جامعه را در راه بهره‌ور ساختن بخش‌های مختلف جامعه اصلاح و هدایت کند.

۴. روش‌شناسی تحقیق

از آنجا که در تحقیق حاضر هدف بررسی تأثیر عدالت اقتصادی بر بهره‌وری معاونت امور اقتصادی وزارت امور اقتصادی و دارایی از نگاه کارکنان است، تحقیق حاضر از حیث هدف کاربردی و از نظر ابعاد تحلیل توصیفی - پیمایشی از نوع تحلیل رگرسیون است. بر این اساس با استفاده از توزیع دو پرسشنامه محقق ساخت، اطلاعات مورد لازم جمع‌آوری گردید. در این پرسشنامه‌ها برای پاسخگویی از مقیاس درجه‌بندی پنج گزینه‌ای لیکرت استفاده گردیده است که عبارتند از بسیار کم، کم، متوسط، زیاد، بسیار زیاد و به ترتیب نمره ۱، ۲، ۳، ۴، ۵ در نظر گرفته شده است. جامعه آماری تحقیق شامل کارکنان معاونت امور اقتصادی وزارت امور اقتصادی و دارایی است.

$$n = \frac{(64) \times (1.96)^2 \times 0.5 \times 0.5}{(100 - 1) \times (0.05)^2 + (1.96)^2 \times 0.5 \times 0.5} = 55 \quad (1)$$

حجم نمونه براساس روش تصادفی

ساده و با استفاده از رابطه کوکران تعیین گردید. با توجه به این موضوع تعداد ۵۵ نفر انتخاب شدند.

۵. برآورد و نتایج

۵-۱. روایی و پایایی پرسشنامه

روایی پرسشنامه‌های تحقیق حاضر به دو روش محتوایی و سازه تأیید شده است. سؤالات پرسشنامه با توجه به متغیرهای تحقیق، مبانی نظری تدوین گردیده است. بنابراین از روایی محتوایی برخوردار است. همچنین برای سنجش پایایی پرسشنامه‌های مورد استفاده از روش آلفای کرونباخ با کمک نرم افزار SPSS19 استفاده شده است. آلفای کرونباخ استخراج شده برای پرسشنامه عدالت اقتصادی ۰/۸۷ درصد و برای پرسشنامه بهره‌وری ۰/۸۶ درصد بوده است. همانطور که نونالی^۱ اظهار کرده است اگر آلفای کرونباخ بزرگتر از ۰/۷ درصد باشد، نتیجه معتبر خواهد بود. پس نتیجه می‌گیریم که پرسشنامه‌های مورد استفاده در این تحقیق از اعتبار لازم برخوردارند. در جدول ۱ پایایی متغیرهای تحقیق ارائه شده است.

1. Nunnally

جدول ۱. پایایی متغیرهای تحقیق

معيار	تعداد سوالات	آلفای کرونباخ
عدالت اقتصادی	منابع محور	۰/۸۵
	فرایند محور	۰/۸۶
	کارایی و توازن درآمدی	۰/۹
بهره‌وری	ارج گذاری به کارکنان	۰/۷۹
	برنامه‌ریزی و هدف گذاری مناسب	۰/۸۵
	دانش آموزی و تخصص گرایی	۰/۹۰
	اولویت‌بندی و تقسیم کار	۰/۹۱

مأخذ: نتایج تحقیق

۲-۵. بررسی رابطه بین عدالت اقتصادی و بهره‌وری

بررسی نرمال بودن متغیرهای تحقیق

در این تحقیق برای بررسی نرمال بودن متغیرهای اصلی عدالت اقتصادی و بهره‌وری از آزمون کولموگروف - اسمیرنوف استفاده شده است. نتایج مربوط به بررسی نرمال بودن متغیر عدالت اقتصادی و بهره‌وری در جدول ۲ ارائه شده است.

جدول ۲. آزمون نرمال بودن ابعاد مربوط به عدالت اقتصادی و بهره‌وری

معيار	Statistic	Sig.
عدالت اقتصادی	منابع محور	۰/۱۳۵
	فرایند محور	۰/۰۷۵
	کارایی و توازن درآمدی	۰/۱۷۸
بهره‌وری	ارج گذاری به کارکنان	۰/۰۹۳
	برنامه‌ریزی و هدف گذاری مناسب	۰/۰۷۸
	دانش آموزی و تخصص گرایی	۰/۱۶۵
	اولویت‌بندی و تقسیم کار	۰/۲۳۴

مأخذ: نتایج تحقیق

باتوجه به نتایج جدول فوق چون مقدار سطح معنی داری برای ابعاد عدالت اقتصادی و بهره‌وری بزرگتر از مقدار خطا ۰/۰۵ است، بنابراین توزیع فراوانی گویه‌های متغیرهای تحقیق دارای توزیع نرمال می‌باشد.

۳-۵. آزمون فرضیه تحقیق

۳-۵-۱. فرضیه اول

فرضیه اول این تحقیق بدین نحو تعریف شده است که بین عدالت اقتصادی و بهره‌وری معاونت امور اقتصادی وزارت امور اقتصادی و دارایی از نگاه کارکنان رابطه معنی داری وجود دارد.

$$\begin{cases} H_0 : P = 0 & \text{بین عدالت اقتصادی و بهره‌وری معاونت امور اقتصادی وزارت امور اقتصادی و دارایی رابطه معنی داری وجود ندارد.} \\ H_1 : P \neq 0 & \text{بین عدالت اقتصادی و بهره‌وری معاونت امور اقتصادی وزارت امور اقتصادی و دارایی رابطه معنی داری وجود دارد.} \end{cases}$$

با توجه به اینکه دو متغیر مدنظر تحقیق براساس آزمون نرمال بودن داده‌ها، دارای توزیع نرمال هستند، از این رو برای بررسی و تحلیل همبستگی بین آنها از آزمون پارامتریک همبستگی پیرسون استفاده شده است. آزمون مذکور این امکان را فراهم می‌نماید تا با لحاظ کردن سطح معنی داری، به توان معنی دار بودن تأیید یا رد فرضیه تحقیق را بررسی و ارائه نمود. با توجه به اینکه در این تحقیق از نرم افزار آماری SPSS19 استفاده شده است و با عنایت به اینکه این نرم افزار پس از محاسبه آماره آزمون، سطح معنی داری آن را ارائه می‌کند. لذا در نتایج تحلیل فرضیه مذکور اگر سطح معنی داری کمتر از ۵ درصد باشد، این نتیجه حاصل می‌گردد که فرض آزمون مورد نظر مورد تأیید قرار نگرفته و فرضیه مقابل تأیید می‌گردد. نتایج حاصل از آزمون‌های همبستگی بین دو متغیر مذکور در جدول ۳ آمده است.

جدول ۳. آزمون همبستگی بین عدالت اقتصادی و بهره‌وری معاونت امور اقتصادی
وزارت امور اقتصادی و دارایی از نگاه کارکنان

عدالت اقتصادی		
*۰/۴۴۵	همبستگی پیرسون	
۰/۰۲۲	معناداری	بهره‌وری
۵۵	تعداد	

مأخذ: نتایج تحقیق * معنادار در سطح ۰/۰۵ (دو دامنه)

نتیجه آزمون نشان می‌دهد همبستگی مثبت و معناداری میان متغیر عدالت اقتصادی و متغیر بهره‌وری معاونت امور اقتصادی وزارت امور اقتصادی و دارایی از نگاه کارکنان وجود دارد. مقدار همبستگی پیرسون برابر ۰/۴۴۵ بوده و در سطح ۵ درصد معنادار است (ارزش احتمال معادل ۰/۰۲۲ و کمتر از ۵ درصد). بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که فرضیه تحقیق مورد تأیید است و عدالت اقتصادی و متغیر بهره‌وری معاونت امور اقتصادی وزارت امور اقتصادی و دارایی از نگاه کارکنان رابطه معنی‌داری دارند، به طوری‌که سازمان مذکور هر چه بیشتر به سمت عدالت اقتصادی حرکت کند، بهره‌وری آن نیز افزایش خواهد یافت.

۵-۳-۲. فرضیه دوم

از آنجا که ضریب همبستگی میزان تأثیر گذاری متغیر مستقل بر متغیر توضیحی را نشان نمی‌دهد، در این تحقیق برای بررسی میزان تأثیر گذاری عدالت اقتصادی بر بهره‌وری از مدل رگرسیون و آزمون t نیز استفاده شده است. بدین نحو که عدالت اقتصادی به عنوان متغیر مستقل و متغیر بهره‌وری به عنوان متغیر وابسته مدل رگرسیونی محسوب می‌شوند. نتایج حاصل از بررسی شاخص‌های کفایت مدل رگرسیونی مذکور در جدول ۴ آمده است.

جدول ۴. شاخص‌های کفایت مدل رابطه عدالت اقتصادی و بهره‌وری

ضریب همبستگی	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده	انحراف معیار خطا	دوربین - واتسون
۰/۴۴۵	۰/۲۱۵	۰/۱۹۷	۰/۴۱۱	۱/۸۶

مأخذ: نتایج تحقیق متغیر وابسته: بهره‌وری

همبستگی بین متغیرهای مستقل و متغیر وابسته برابر با ۰/۴۴۵ است. ضریب تعیین معادل ۰/۲۱۵ به دست آمده است و این مقدار نشان می‌دهد که ۲۱/۵ درصد از تغییرات بهره‌وری مربوط به عدالت اقتصادی است. با توجه به اینکه با توجه به مقدار آماره دوربین - واتسون معادل ۱/۸۶ و بزرگتر از مقدار استاندارد ۱/۵ است، در نتیجه استقلال باقی مانده‌ها را نتیجه می‌گیریم. با توجه به شاخص‌هایی که عنوان شد، مدل از کفایت لازم برخوردار است. در جدول ۵ نتایج معنی‌داری کل رگرسیون که با استفاده از آزمون F بررسی می‌شود، ارائه شده است.

جدول ۵. نتایج آزمون F: معنی‌دار بودن رابطه عدالت اقتصادی و بهره‌وری

مدل	مجموع مربعات	میانگین مجموع مربعات	آماره F	Sig.
رگرسیون	۱/۱۲۴	۱/۱۲۴		
۱ باقی مانده	۴/۵۷۵	۰/۲۱۸	۵/۱۶	۰/۰۳۴
کل	۵/۷			

مأخذ: نتایج تحقیق متغیر وابسته: بهره‌وری

با توجه به جدول فوق سطح معنی‌داری محاسبه شده برای این آماره برابر ۰/۰۳۴ است و نشان از معنی‌دار بودن رگرسیون در سطح ۹۵ درصد دارد. بنابراین، رگرسیون خطی برآورد شده مورد قبول است. نتایج برآورد مدل تأثیرگذاری عدالت اقتصادی بر بهره‌وری معاونت امور اقتصادی وزارت امور اقتصادی و دارایی از نگاه کارکنان در جدول ۶ آمده است.

جدول ۶. نتیجه آزمون t عدالت اقتصادی بر بهره‌وری معاونت امور اقتصادی وزارت امور اقتصادی و دارایی

معناداری	t	ضریب استاندارد		مدل
		ضریب استاندارد بتا	ضرایب غیر استاندارد انحراف استاندارد B	
۰/۰۰۰۰	۴/۹۰۹		۰/۴۸۱	مقدار ثابت
۰/۰۲۲	۲/۴۷۶	۰/۴۴۵	۰/۰۰۱	عدالت اقتصادی

مأخذ: نتایج تحقیق متغیر وابسته: بهره‌وری

جدول فوق نتیجه آزمون میزان تأثیر عدالت اقتصادی بر بهره‌وری معاونت امور اقتصادی وزارت امور اقتصادی و دارایی از نگاه کارکنان را نشان می‌دهد. متغیر اصلی تأثیرگذار بر بهره‌وری، عدالت اقتصادی است و براین اساس معادله رگرسیونی را می‌توان با استفاده از ستون ضرایب استاندارد نشده به شرح زیر محاسبه نمود:

$$\text{Productivity} = 2.358 + 0.062 \text{ Economic Justice} \quad (۲)$$

یعنی با بهبود یک واحد در عدالت اقتصادی به میزان ۰/۰۶۲ واحد بهره‌وری معاونت امور اقتصادی وزارت امور اقتصادی و دارایی ارتقاء پیدا خواهد کرد.

آزمون t مربوط به ضریب رگرسیون نیز در این جدول برای متغیر مستقل (متغیر عدالت اقتصادی) نشان داده شده است که مقدار آن معادل ۲/۴۷۶ و ارزش احتمال آن ۰/۰۰۱ (کمتر از ۵ درصد) است، بنابراین این ضریب در سطح اطمینان ۹۵ درصد از لحاظ آماری معنی‌دار و تأثیر مثبتی بر بهره‌وری دارد. بنابراین فرضیه تحقیق مبنی بر تأثیر معنی‌دار عدالت اقتصادی بر بهره‌وری تأیید می‌گردد.

۶. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

در این مقاله ارتباط بین عدالت اقتصادی از نظر نظام فقهی اقتصادی اسلام و بهره‌وری در معاونت امور اقتصادی وزارت امور اقتصادی و دارایی مورد بررسی قرار گرفته است. بر این اساس نتایج بدست آمده، ضریب همبستگی پیرسون بین دو متغیر عدالت اقتصادی و متغیر بهره‌وری معاونت امور اقتصادی وزارت امور اقتصادی و دارایی مثبت و معادل $0/445$ و از لحاظ آماری در سطح 5 درصد معنادار است. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که فرضیه تحقیق مورد تأیید است. آماره t مربوط به ضریب برآورد متغیر عدالت اقتصادی معادل $2/476$ و ارزش احتمال آن کمتر از 5 درصد است، بنابراین این ضریب در سطح اطمینان 95 درصد از لحاظ آماری معنی‌دار و تأثیر مثبتی بر بهره‌وری دارد. بنابراین از این روش نیز فرضیه تحقیق مبنی بر ارتباط معنی‌دار بین دو متغیر مذکور تأیید می‌گردد. به علاوه، ضریب مذکور معادل $0/062$ برآورد شده است که نشان‌دهنده آن است که متغیر عدالت اقتصادی بر بهره‌وری به میزان $0/062$ واحد تأثیرگذار است. با توجه به این موضوع پیشنهاد می‌گردد مدیران سازمان با شناسایی مؤلفه‌های اصلی تأثیرگذار بر عدالت اقتصادی ضمن بهبود ابعاد آن، زمینه‌های ارتقاء بهره‌وری در سازمان را افزایش دهند.

منابع

- ابطحی، سید حسین و بابک کاظمی (۱۳۷۹)، بهره‌وری، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، چاپ دوم، تهران: فروردین.
- آقانظری، حسن (۱۳۸۴)، "عدالت اقتصادی از نظر افلاطون ارسطو و اسلام"، مجله اقتصاد اسلامی، تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ش ۱۴.
- بافکار، حسین (۱۳۸۴)، بهره‌وری در پرتو اسلام، مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما.
- پروکینکو (۱۳۷۲)، مدیریت بهره‌وری، ترجمه: محمدرضا ابراهیمی مهر، چاپ اول، تهران: کیهانک.
- جویای شندی، روزیتا، "ویژگی‌های عدالت اقتصادی در کلام امام علی (ع) و مقایسه آن با سیره خلفا"، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
- جهانبین، فرزاد و محمد نعمتی (۱۳۹۴)، "معیار و راهبردهای عدالت اقتصادی در نهج البلاغه"، فصلنامه پژوهشنامه نهج البلاغه، سال سوم، شماره ۱۰، صص ۱۰۳-۱۲۲.
- جهانشیری، کبری (۱۳۹۱)، "بررسی فقهی - اقتصادی عدالت و کارایی"، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته الهیات گرایش فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه سیستان و بلوچستان.
- دیریاز، عسگر (۱۳۸۰)، "عدالت اقتصادی در کلام و سیره علی (ع)"، مجله حوزه و دانشگاه، شماره ۲۷.
- سازمان بهره‌وری ملی ایران، مجموعه سخنرانی‌های دومین سمینار بهره‌وری، تهران: چاپ بصیر.
- عیوضلو، حسین (۱۳۸۴)، "عدالت و کارآیی در تطبیق با نظام اقتصادی اسلام"، مجمع تشخیص مصلحت نظام، تهران.
- فتحانی، علی (۱۳۸۸)، "عدالت اقتصادی و راهبردهای مبتنی بر مفهوم"، ماهنامه اقتصادی بررسی مسائل و سیاست‌های اقتصادی، شماره ۸۹.
- یوسفی نژاد، علی (۱۳۸۲)، "اقتصاد اسلامی و نظریه عدالت اقتصادی"، مجموعه مقالات دومین همایش دو سالانه اقتصاد اسلامی، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.